

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

معرفی شرح چاپ نولکشور بردیوان حافظ و ویژگیهای آن

(ص ۱۶۰-۱۴۹)

مریم خلیلی جهانتیغ (نویسنده مسئول)^۱، فاطمه شفیع‌ی^۲، حمید صمصام^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده

معرفی یک اثر کمتر شناخته شده و بررسی ویژگیهای سبکی آن علاوه برآنکه میراث فرهنگی و قومی یک کشور را قوام مبخشد، موجب اطلاعات وسیع درباب اندیشه و ساختار فکری نویسندگان است بویژه اگر این نسخه درکشوری دیگر و بوسیله نویسندگانی شکل گرفته باشد که غیر ایرانی باشند. شرح چاپ نولکشور بردیوان حافظ یکی از شروحی است که درهنگام سال ۱۳۸۹ فراهم شده این شرح شامل غزلها، تعدادی ترکیب بند، ترجیع بند، رباعی، مثنوی، قطعه و قصیده است. نتیجه کلی تحقیق ویژگیهای ظاهری، محتوایی، روابط متنی، بینامتنی و فرامتنی این شرح را بیان میکند و تفاوتهای بارز این اثر را با آثار مشابه آن در ایران نشان میدهد. در این نوشتار میکوشیم ضمن معرفی این شرح و توضیحاتی درباب احوال گردآورنده آن، ویژگیهای روساختی و زیرساختی آن را به شیوه کتابخانه ای و با تحلیل ساختاری مورد بررسی قرار دهیم.

کلمات کلیدی: حافظ، غزل، نولکشور، شبه قاره، نسخه خطی.

^۱ دانشیار زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان khalili@lihu.usb.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

Fatemehshafiee2012@yahoo.com

H.samsam@iauzah.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان

مقدمه

نخستین کسی اقدام به جمع آوری و تدوین دیوان حافظ کرده محمد گلندام است، اما نسخه‌ای که او از دیوان حافظ گردآورده تنها مأخذ برای کاتبان قرار نگرفته، بلکه هرکاتبی از روی مأخذی دیگر که در کتب مختلف وجود داشته، نسخه‌ای نوشته است. بهمین جهت نسخه‌های متعدد از دیوان حافظ بوجود آمده است. یادداشت کاتبی در مقدمه دیوان حافظ نشان میدهد که تا قرن دهم دیوان کامل حافظ جمع آوری نشده است و تا اینکه یکی از نبیرگان تیمور از ادیبان دعوت میکند که از منابع متعدد، آثار حافظ را جمع آوری کنند. (ملحقات دیوان حافظ، خانلری، ۱۳۶۲، ۱۱۱۶، ج ۲)

هندوستان از جمله سرزمینهایی است از شعر حافظ متأثر شده، شهرت شعر حافظ در همان روزگار خودش از خراسان، آذربایجان، عراقین گذشته و به هندوستان رسیده است. علاوه بردست‌نویس دیوان حافظ در ایران، ترکیه و اروپا بعضی از دست‌نویسهای دیوان حافظ در هندوستان هم وجود دارد که بعضی از آنها از کهنترین نسخه‌ها هستند و ویژگیهای خاصی دارند.

(دانشنامه زبان و ادب فارسی، انوشه، ۱۳۷۵، صص ۹۲۹-۹۲۷)

گزارش ابتدایی از کتابخانه‌های پاکستان نشان میدهد سیصد و بیست و پنج نسخه خطی دیوان حافظ در بعضی از این کتابخانه‌های موجود است که قدیمیترین آنها در کتابخانه شخصی آقای «جی معین الدین» در لاهور نگهداری میشود.

(حافظ شناسی در شبه قاره، چاند بی بی، ۱۳۸۶ : ۹)

پیشینه تحقیق

معروفترین شرح دیوان حافظ شرح سودی بسنوی است که در سال ۱۰۰۳ بر دیوان حافظ نوشته است. بعد از این شرح «عبدالله خویشکی چشن» در زمان شاه جهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷) در هندوستان شرحی به نام «بحر فراسه الالفاظ فی شرح دیوان حافظ» نوشته است. در هند چهار کتاب دیگر درباره اشعار حافظ نوشته شده است: الف) مخمسات غزلهای حافظ از شاعری باتخلص علی . ب) «کشف الاشعار من وجوه مشکلات الاسفار» تألیف محمد افضل سرخوش . ج) شرح دیوان حافظ از مؤلفی نامعلوم در زمان اورنگ شاه . د) شرح بعضی ابیات دیوان حافظ از محمد ابراهیم بن محمد سعید.

(حافظ خراباتی، همایون فرخ، ۱۳۶۹: چهارده و پانزده)

علاوه بر این شرحهای دیگری نیز در کشورهای شبه قاره بر دیوان حافظ نوشته شده که به اندکی از بسیار اشاره میشود:

- حیات حافظ از «اسلم جیراج پوری»

معرفی شرح چاپ نولکشور بر دیوان حافظ و ویژگیهای آن/۱۵۱

-تاگور، ۷۵ غزل حافظ را همراه مقدمه و شرح حال حافظ و حواشی و توضیح لغات به انگلیسی ترجمه کرده است.

-جلال الدین محمد دوانی، تعدادی از غزلها و ابیات حافظ را در چند رساله شرح و تفسیر کرده است.
-جلال الدین احمد جعفری، کتابی بنام لسان الغیب دارد که شامل گزیده‌ای از غزلیات و زندگینامه و نقد سخن حافظ است.

-علی همدانی یکی از شخصیت‌هایی است که درس‌نوشت مسلمانان شبه قاره تأثیر داشته است. او نیز دفتری در شرح اشعار حافظ و اصطلاحات صوفیانه دارد.

-آیینه معرفت اثر غلام حیدر شامل چهل و دو غزل حافظ به پنجابی واردوست.
- مولوی محمد احتشام الحق دهلوی، ششصد غزل حافظ را بنظم ترجمه کرده و بنام ترجمان الغیب بچاپ رسانده است.

-محمد اشرف علی تهنوی شرحی به نام «عرفان حافظ» دارد.

(حافظ شناسی در شبه قاره، چاند بی بی، ۱۳۸۶، ۱۵-۱۰).

با اینحال اغلب این شرحها برای ایرانیان ناشناخته مانده‌اند و در این مقاله به بررسی ساختار شرح منشی نولکشور میپردازیم که تاکنون در مورد آن پژوهشی صورت نگرفته است.

چاپ دیوان حافظ در شبه قاره

«پس از ورود صنعت چاپ در شبه قاره حافظ خوانی در این منطقه بیشتر رونق گرفته است و تاکنون ۱۳۲ چاپ مختلف دیوان حافظ به معرض عام آمده است.» (حافظ شناسی در شبه قاره، چاند بی بی، ۱۳۸۶: ۹)

نخستین چاپ دیوان حافظ در شبه قاره تقریباً پنجاه سال قبل از اولین چاپ در ایران انجام گرفته که از روی دوازده نسخه خطی به تصحیح «ابوطالب خان اصفهانی تبریزی» بچاپ رسیده است. البته این نسخه‌های خطی اساس اولین چاپ هندوستان امروز موجود نیست. (دانشنامه زبان و ادب فارسی، انوشه، ۱۳۷۵، صص ۹۲۹)

این چاپ از دیوان حافظ در سال ۱۲۰۶ ه. ق. در کلکته هند انجام گرفت و بعد از آن دیوان حافظ در سال ۱۲۴۳ ه. ق. در بولاق مصر و در سال ۱۲۵۳ ه. ق. در ایران چاپ شد، که هیچیک از اینها متن انتقادی دقیقی از دیوان حافظ نیست. (درس حافظ، استعلامی، ۱۳۹۲: ۶۷)

در شعبان سال ۱۲۸۹ در هندوستان شرحی بر دیوان حافظ توسط منشی نولکشور بصورت چاپ سنگی فراهم آمده است. این شرح منتخبی از تفسیرهای عرفانی شارحین هندی بر غزلیات حافظ است که با استفاده از تفسیر چند تن شارحان از جمله «مولانا محمد هادی» و «مولوی فتحعلی» و «موجد» و «مولوی غلام عیسی» و «مولوی حسیب الدین احمد» شکل گرفته است در این شرح همه ابیات غزلها بطور کامل شرح نشده است، بلکه تعدادی از ابیات هر غزل با شماره‌های مشخص شده

و در حاشیه صفحات شرح آن از قول یکی از شارحین آمده است و در مواردی بسیار اندک بیتی از قول دوشارح تفسیر شده است. تعداد غزلها در این شرح با تعداد غزلیات در شرحهای ایرانی که بر اساس نسخه غنی-قزوینی است یکسان نیست. این شرح با توجه به تاریخ آن از جهت قدمت و از حیث ارائه تفسیر عرفانی خاص خود با شرحهای ایرانی تفاوتهایی دارد.

یکی [دیگر] از چاپهای دیوان حافظ متعلق به «محمد هادی علی» که حواشی بردیوان حافظ نوشته و با اصل دیوان در سال ۱۳۰۱ ه. ق در لکهنو بچاپ رسیده است. (حافظ شناسی در شبه قاره، چاند بی بی، ۱۳۸۶: ۱۷)

«سید صادق علی رضوی حنفی لکنوی» به درخواست منشی نولکشور صاحب، در ۱۲۱۲ ق شرح کاملی بردیوان حافظ نوشته که در سال ۱۲۹۳ ق در لکهنو به چاپ رسیده است. (دانش نامه زبان و ادب فارسی، انوشه ۱۳۷۵، صص ۹۲۹-۹۲۷)

دوشرح اخیر هر یک بگونه‌ای با «منشی نولکشور» در ارتباط هستند ارتباط شرح «محمد هادی علی» با «نولکشور» باین علت است، که شرح چاپ نولکشور برای تفسیر بعضی از ابیات غزلها نقل قولهایی از «محمد هادی علی» آورده است. شرح «سید صادق علی رضوی» به خواهش نولکشور نوشته شده است. در این نوشتار کوشش شده است ضمن معرفی شرح چاپ نولکشور، با احوال گردآورنده آن نیز آشنا شویم و ویژگیهای این شرح را شناسایی کنیم.

بحث

آشنایی با زندگی منشی نولکشور

منشی نولکشور در حدود سال ۱۸۳۵ میلادی متولد شد. او از دوران دانشجویی به روزنامه نگاری علاقه داشت و مقاله‌هایی در روزنامه سفیر آگره مینوشت. در سال ۱۸۵۲ میلادی در سن هفده سالگی به درخواست منشی «هر سوک رای» به لاهور رفت و مدیر روزنامه کوه نور شد. او در لاهور تجارب علمی و ادبی فراوان بدست آورد و راه و رسم روزنامه‌نگاری را از روزنامه‌های نگارهای لاهوری فراگرفت و در زمینه‌های مختلف اطلاعات و علومی کسب کرد. «نولکشور» در سال ۱۸۵۷ میلادی به آگره برگشت و این هم‌زمان با قیام هندبر ضد استعمار انگلستان بود. نولکشور که از مسایل اجتماعی روزگار آگاهی داشت با مشاهده اوضاع نابه‌سامان تصمیم گرفت برای آگاهی افکار عمومی و بیان درد مردم روزنامه‌ای منتشر کند اما پس مدتی احساس کرد در این شهر نمیتواند به آرزوهایش دست یابد، به همین جهت در سال ۱۸۵۸ م به لکهنو رفت. وی در لکهنو انتشار نشریه «اوده اخبار» را با خرید یک دستگاه چاپ در منطقه «آغا میر کی دبور هی» آغاز کرد. (قند پارسی، ۱۳۸۱: ۱۹۰-۱۸۵)

در صفحه پایانی (صفحه ۴۰۴) شرح چاپ نولکشور بردیوان حافظ درباره «نولکشور» بقلم «مولانا محمد هادی علی اشک» چنین آمده است: «در این زمان، قدرشناس علم و هنر منشی نولکشور نام

آور، همت عالی را کار بست و پنجه این شاهد را نگار بست. غازه طبعش بر رو مالید و سرمه این سواد به چشمش کشید، همانا که لوای نفع رسانی برافراشت و قفل از گنجینه فیض برداشت. نامه سیاه ازلی، محمد هادی علی که پیش از این روزگاری به تحشیه چند اجزایش در ساخته است و ماشطه کلکش به زلف و خال این خریده معنی پرداخته چون آرایش نودید به هزار جانش پسندید جواهر تحسین برنظم قریض افشاند و به رسم نثار قراضه تقریض افشاند. (نولکشور، ۱۲۸۹: ۴۰۴)

«مولانا محمد هادی علی اشک» نویسنده معروف به مدت هفت سال بنا به درخواست «نولکشور» به مدیریت نشریه «آوده اخبار» برگزیده شد، که در سال ۱۸۶۵ م در لکهنو درگذشت. (قند پارسی، ۱۳۸۱: ۱۹۳)

معرفی شرح چاپ نولکشور بر دیوان حافظ

شرح نولکشور بر دیوان حافظ در سال ۱۲۸۹ هجری قمری به همت منشی «نولکشور» روزنامه نگار نشریه «آوده اخبار» لکهنو در ۴۰۴ صفحه به خط نستعلیق به طبع رسیده است. این شرح مثل همه شرحها، توضیح و تفسیر خود را با غزل «الایا ایها الساقی ...» آغاز کرده، تفسیر اولین غزل مشکل است و تقریباً طولانیترین توضیحات را دارد، علت پیچیدگی آوردن نکات نحوی و اصطلاحات عرفانی است. ویژگیهای این شرح را از دیدگاه کلی میتوان به دودسته تقسیم کرد: الف) ویژگیهای ظاهری

ب) ویژگیهای محتوایی

الف) ویژگیهای ظاهری شرح نولکشور

شرح نولکشور شامل:

۱- ۵۸۳ غزل که شرح آنها آمده و چند غزل بدون شرح

۲- ترکیب بند

۳- یک ترجیع بند

۴- پنج ساقی نامه

۵- یک مثنوی: «الا ای آهوی وحشی کجایی / مرا با توست بسیار آشنایی»

۶- چهل قطعه در موضوعات: (فی الشکایه، در تقاضای وظیفه، مطایبه، فی التاریخ، فی المصیبه، فی

الکحم، فی التعزیه، فی المدح)

۷- سیزده مخمس

۸- هفتاد و هفت رباعی

۹- هفت غزل که در اکثر نسخه ها نبوده است.

۱۰- پنج قصیده

است و در پایان کتاب آمده است: «در مطبع فیض منبع منشی نولکشور صاحب واقع در لکهنو در ماه شعبان سنه ۱۲۸۹ به اتمام رسید».

این شرح چنانکه در بالا آمده است دارای پانصد وهشتاد و سه غزل است که درمقایسه با نسخه (قزوینی، غنی) هشتاد و هشت غزل بیشتر دارد، که تعدادی از آنها درملحقات غزلهای خانلری به ثبت رسیده و تعدادی در آثار منسوب حافظ خراباتی به پژوهندگی «دکتر رکن الدین همایون فرخ» ضبط شده است. اما بازهم تعدادی غزل در این شرح وجود دارد که در هیچ کدام از آثار نامبرده موجود نیست. غزلهای ترتیب الفبایی با توجه به حرف آخر غزل تنظیم شده اند، اما شماره ندارد، صفحات کتاب دارای شماره هستند، و در متن غزلهای ابیاتی که شرح آنها در حاشیه آمده است به ترتیب با شماره‌هایی مشخص شده و در حاشیه هم با آوردن همان شماره‌ها شرح شده اند. همه غزلهای موجود در این شرح توضیحاتی دارند، اما ممکن است همه ابیات غزلی تفسیر نشده باشد؛ بنابراین میتوان گفت این شرح منتخبی از شروح دیوان حافظ فراهم شده، در هند است. ناگفته نماند تعدادی غزل هم در این شرح بدون تفسیر وجود دارد و درباره آنها آمده است: «آن غزلهای و قصاید که در اکثر نسخه‌ها نبود و در بعضی یافته شد داخل کتاب نکرده علی حده نوشته آمد» (نولکشور، ۱۲۸۹، ۳۸۹)

تفسیر ابیات این غزلهای بر اساس چند شرح نوشته شده، در هند شکل گرفته است و در واقع حاصل کار چندین شارح از جمله "موجد"، "مولوی فتحعلی"، "مولانا محمد هادی علی" "غلام عیسی" "حسب الدین احمد" و "شرح دهلی" است. معمولاً برای توضیح هر بیت از تفسیر یکی از این شارحین استفاده شده، اما گاهی هم برای توضیح یک بیت اتفاق افتاده که از دو یا چند شارح نقل قولهایی شده است.

باجرات میتوان گفت: این شرح برای توضیح و تفسیر ابیات بیشترین بهره را از شرح "مولوی فتحعلی" برده است.

معنی کلمه‌ها برای تفسیر ابیات در شرح نولکشور با استفاده از «غیاث اللغات» و «برهان جامع» بیان شده است. همانطور که گفته شد در شرح نولکشور تقریباً هشتاد غزل موجود است که در متن غزلهای دیوان حافظ غنی - قزوینی وجود ندارد، و به این جهت که اساس تأویل و تفسیر بسیاری از شارحین ایرانی متن غنی - قزوینی بوده است، این غزلهای در این شروح هم وجود ندارد. غزلهایی اضافی شرح نولکشور را میتوان به این شکل تقسیم بندی کرد. ۱- غزلهایی که در ملحقات غزلهای خانلری هم وجود دارد، که تعداد این غزلهای سی و هشت غزل است. غزل زیر از جمله این غزلهاست:

ما برفتم و تو دانی و دل غم خور ما	بخت بد تابه کجا میبرد آبشخور ما
از نثار مژه چون زلف تو درگیرم	قاصدی کز تو سلامی برساند بر ما
به دعا آمده ام هم به دعا دست بر آر	که وفا با تو قرین باد و خدا یاور ما
گر همه خلق جهان بر من و تو حیف خوردند	بکشد از همه انصاف ستم داور ما
به سرت گر همه عالم به سرم بخروشند	نتوان برد هوای تو برون از سر ما

فلک آواره به هرسو کندم میدانی
دردمندیم خبر میدهد ازسوز درون
ما زوصف رخ زیبای توتادم زده ایم
زودباشدکه بیایدبه سلامت یارم
هر که گویدکه کجافت خداراحافظ
رشک میآیدش از صحبت جان پرور ما
دهن خشک ولب تشنه و چشم تر ما
ورق گل خجل است ازورق دفترما
ای خوش آن روز که آید به سلامت برما
گو به زاری سفری کرد برفت ازبرما
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۱۰ و ۱۱)

این غزل چنانکه گفته شد، درملحقات غزلهای خانلری نیز موجود است و درباره آن آمده است: «مرحوم پژمان این غزل را از نزاری قهستانی دانسته است» (ملحقات دیوان حافظ، خانلری، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۰۰۲). البته این غزل در دیوان حافظ چاپ «انجوی، عیوضی-بهرروز، و قدسی» ثبت شده و به اعتقاد «بها الدین خرمشاهی» در «حافظ نامه» متعلق به نزاری قهستانی است. (حافظ نامه، خرمشاهی، ۱۳۶۷: ۶۲)

غزل زیر هم در متن غزلهای «غنی-قزوینی» وجود ندارد، اما در ملحقات غزلهای خانلری در صفحه ۱۰۰۲ ثبت شده و در آثار منسوب حافظ خراباتی هم وجود دارد. درباره آن آمده است: «در این غزل به استناد دوشانه و دو استعاره میتوان گفت که آن را برای شاه شجاع سروده است و این دوشانه یکی سخن از خال و دیگری نام مستعارش است که تُرک باشد، بنابراین میگوییم در صورتی که غزل را خواجه سروده باشد متعلق به این دوران و زمان است، و ضمناً میتوان تصور کرد که خواجه در سرودن این غزل نظرش تفنن در قافیه هم بوده است.» (حافظ خراباتی، همایون فرخ، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۳۶)

تا جمالت عاشقان را زد به وصل خودصلا
آن چه جان عاشقان از دست هجرت میکشد
تُرک ما گر میکند رندی و مستی جان من
بزم عیش و موسم شادی و هنگام طرب
حافظا گریای بوس شاه دستت میدهد
جان ودل افتاده اند از زلف و خالت در بلا
کس ندیده در جهان جز کشتگان کربلا
ترک مستوری و زهدت کرد باید اولاً
پنج روز ایام عشرت را غنیمت دان دلا
اوقتی در هر دو عالم زینت عز و علا
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۱۱)

۲- غزلهایی که در ملحقات خانلری هم موجود نیست. تعداد این غزلهها تقریباً پنجاه غزل است.
از جمله غزل زیر:

شب از مطرب که دل خوش باد و می را
چنان در جان من سوزش اثر کرد
حریفی بد مرا ساقی که هر دم
چو شو قم دید در ساغر می افزود
رهانی می مرا از شر هستی
حماک الله عن شر النوائب
شنیدم ناله جان سوز نی را
که بی رقت ندیدم هیچ شی را
ز زلف و رخ نمودی شمس و دی را
بگفتم ساقی فرخنده پی را
چو پیمودی پیایی جام می را
جزاک الله فی الدارین خیرا

چو بیخود گشت حافظ کی شمارد به یک جو ملکت کاوس کی را
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۷)

غزل دیگری که در شرح «نولکشور» آمده و در شروح ایرانی وجود ندارد، غزل زیر است که در ملحقات غزل‌های خانلری و در آثار منسوب حافظ خراباتی هم یافت نشد. این غزل دارای پنج بیت است. در تفسیر غزل به این موضوع اشاره شده که این غزل در همه نسخه‌ها موجود نیست و امکان دارد از حافظ نباشد.

لطف باشد گر نیوشی از گداها روت را تا به کام دل ببیند دیده‌ی ما روت را
همچو هاروتیم دایم در بلای عشق زار کاشکی هرگز ندیدی دیده‌ی ما روت را
کی شدی هاروت در چاه ز خندانش اسیر گر نگفتی شمه‌ای از حسن او ما روت را
بوی گل برخاست گویی در چمن هاروت بود بلبلان مستند گویی دیده، چون ما روت را
میکشم جور جفاهایت ز هجران ای صنم روی بنما تا ببیند حافظ ما روت را
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۱۱)

غزل زیر نیز در شروح و متن غزل‌های ایرانی وجود ندارد، اما در شرح نولکشور ضبط شده است. البته در ملحقات غزل‌های خانلری موجود است. و در صفحه (۱۰۲۱) ثبت شده است.

عید است و موسم گل ساقی هنگام گل که دیده است بی می قدح نهاده
زین پارسایی بگرفت خاطر من ساقی پیاله ده تا دل شود گشاده
واعظ که دی نصیحت میکرد عاشقان را امروز دیدمش مست، تقوی به باد داده
این یک دوروز دیگر گل را غنیمتی دان گر عاشقی طرب کن با ساقیان ساده
در مجلس صبوچی دانی چه خوش نماید عکس عذار ساقی بر جام می فتاده
گل رفت ای حریفان غافل چرا نشینید؟ بی بانگ رود و چنگ و بی یار و جام و باده
مطرب چو پرده سازد شاید اگر بخواهد از طرز شعر حافظ در بزم شاهزاده
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۲۸۸)

علاوه بر این اکثر غزل‌های مشترک در شروح ایرانی و شرح نولکشور گاهی از جهت ترتیب نیز یکسان نیستند. برای نمونه غزل دوم شرح «نولکشور» (ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما) در متن غزل‌های غنی-قزوینی و در اکثر شروح ایرانی غزل دوازدهم است. (درس حافظ، استعلامی، ۱۳۹۲، ۱۰۹)

گاه از جهت تعداد ابیات نامساوی هستند، چرا که در شرح نولکشور اکثریت این غزلها ابیاتی افزون دارند غزل (رونق عهدشباب است دگر، بستان را) در شرح نولکشور دارای سیزده بیت است در حالی که در شرح «استعلامی» ده بیت دارد، بنابراین ابیات زیر را شرح نولکشور افزون بر شروح ایرانی دارد:

«نشوی واقف یک نکته اسرار وجود ملک آزادگی و گنج قناعت گنجی است
در سر زلف ندانم که چه سودا داری

گرتو سرگشته شوی دایره امکان را که به شمشیر میسر نشود سلطان را»
که بهم زده‌ای گیسوی مشک افشان را (نولکشور، ۱۲۸۹، ۸)

و یا غزل (حسن به اتفاق ملاحظت جهان گرفت) در شرح استعلامی دارای ده بیت است. (درس حافظ، استعلامی ۱۳۹۲، ۲۹۴) در حالی که در شرح نولکشور این سه بیت را اضافی دارد.

«چون لاله کج نهاد کلاه طرب ز کبر هرداغ دل که باده چون ارغوان گرفت
می ده به جام جم که صباح صبحویان چون پادشه به تیغ زرافشان جهان گرفت
فرصت نگر که فتنه چو در عالم اوفتاد عارف به جام می زدو ازغم کران گرفت»
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۴۱)

ب) ویژگیهای محتوایی: تحلیل روابط بینامتنی و فرامتنی و ویژگیهای ادبی و فکری

۱- از جهت تحلیل روابط بینامتنی

این شرح برای تفسیر برخی از ابیات، آیات و احادیث و ضرب المثلهای عربی را آورده است. مانند: تفسیر این بیت «ما برفتیم و تو دانی و دل غمخور ما / بخت بد تابه کجامیبرد آبشخور ما» که به آیه "وافوض امری الی الله" استناد میکند و تأثیر کلام الهی را بر کلام حافظ نشان میدهد. (نولکشور، ۱۲۸۹، ۱۰) همچنین در غزل «آفتاب از روی او شد در حجاب/ سایه را باشد حجاب از آفتاب» برای تفسیر بیت ششم «از برای باده میباید زدن / محتسب را حد بیحد و حساب» این گونه آمده است: «کنایه از آیه "سقاهم ربههم شرابا طهورا" یعنی برای حاصل کردن شراب طهور نفس را حد بسیار می باید زد که چرا از آن باز میدارد. محتسب=نفس یا محبوبان مجازی که تماشا گاه جلوه محبوب حقیقی هستند.» (نولکشور، ۱۲۸۹، ۱۳)

در تفسیر این بیت هم «نیوش روی و مشو در خط تفرج حسن/ که خواند خط تو بر روی وان یکاد دمید» از غزل «جهان زابروی عید از هلال و سمه کشید» چنین آمده است «باید دانست که در این شعر تلمیح است به آیه کریمه «وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک با بصرهم» و این آیت را برای نظرمیندند. تقریر معنی آن که ای معشوق روی خود را مپوش و از نظاره آدم درهم مشو، باین معنی که مبادا بر روی تو چشم زخم رسد از نظاره ایشان، زیرا که خط تو آیت قرآن وان یکاد الذین خوانده بر روی تو دمیده. «در خط شد» کنایه از متغیر شدن ورنجیدن بیهوش و بیقرار شدن. «کذا فی برهان جامع» (نولکشور، ۱۲۸۹، ۸۸)

اما شرح نولکشور هیچگاه به روابط بینامتنی و تأثیر و تأثر شاعران دیگر اشاره ای نکرده است.

۲- از حیث تحلیل روابط فرامتنی: شرح نولکشور اکثر غزلهایی را که شارحین ایرانی به معشوق یا ممدوحی نسبت میدهند، در نعت پیامبر اکرم محسوب میکند. این غزلها را می توان به دودسته تقسیم کرد:

الف) غزلهایی که در شروح ایرانی هم موجود است و در مدح معشوق و یا ممدوحی است، اما در شرح نولکشور در نعت نبی اکرم است مانند غزلی که در ذیل آمده است:

<p>تورا در این سخن انکار کار ما نرسد کسی به حسن و لطافت به یار ما نرسد به یار یک جهت حق گذار ما نرسد یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد که گردشان به هوای دیار ما نرسد به دلپذیری نقش نگار ما نرسد که بد بخاطر امیدوار ما نرسد غبار خاطری از رهگذار ما نرسد به سمع پادشه کامکار ما نرسد</p> <p>(نولکشور، ۱۲۸۹، ۸۱ و ۸۲)</p>	<p>به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد اگرچه حسن فروشان به جلوه آمده اند به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز هزار نقد به بازار کاینات آرند دریغ قافله عمر آن چنان رفتند هزار نقش بر آید ز کلک صنع و یکی دلاز طعن حسودان مرنج و ایمن باش چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را بسوخت حافظ و ترسم که شرح قصه او</p>
---	--

تفسیر بیت اول: [یار] مراد از معشوق حقیقی یا سرور انبیا صلعم یا از مرشد باشد، یعنی هیچ معشوق مثل ایشان نیست. کنایه اول و ثالث (مختار هادی) شرح دهلی و خیر الامور اوسطها (مختار مولوی فتحعلی). یعنی چند اشعار اول غزل در شأن حضرت خاتم النبیین صلعم است یعنی انبیای دیگر به حسن خلق و غیره به حضرت صلعم نمی‌رسند. (نولکشور، ۱۲۸۹، ۸۱ - ۸۰) البته این غزل در شرح‌های «استعلامی» و «ذوالنور» به صورت زیر تفسیر شده است

تفسیر غزل در شرح ذوالنور:

شرح «ذوالنور»: به نقل از «تاریخ عصر حافظ» این غزل را ستایشی از خواجه قوام الدین، محمد صاحب عیار محسوب میکنند. (در جستجوی حافظ، ذوالنور، ۱۳۶۲ ج ۱، ص ۲۱۰)

تفسیر غزل در شرح استعلامی

استعلامی معتقد است: این غزل مدیحه‌ای برای قوام الدین صاحب عیار وزیر شاه شجاع است که به حافظ لطف داشته و حافظ را حمایت می‌کرده است. این وزیر به دستور شاه شجاع به قتل میرسد. (درس حافظ، استعلامی، ۱۳۹۲ ج ۱، ص ۴۵۶)

<p>ب) غزلهایی که تنها در شرح نولکشور وجود دارد و در رابطه با نبی اکرم تفسیر شده اند. مانند غزل زیر: چرا که بر سر خوبان عالمی چون تاج به چین زلف تو، ماچین و هندو داده خراج سواد زلف تو تاریک تر ز ظلمت داج قد تو سرو و میان تو موی و گردن عاج</p>	<p>سزد که از همه دلبران ستانی باج دو چشم شوخ تو، برهم زده خطا و ختن بیاض روی تو روشن، چو عارض رخ روز لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است</p>
---	---

از این مرض به حقیقت کجا شفا یابم
دهان تنگ توداده به آب خضر بقا
چراهمی شکنی جان من زسنگ دلی
فتاده دردل حافظ، هوای چون تو شهی
که از تو درد دل من نمیرسد به علاج
لب چو قند تو برد از نبات مصر رواج
دل ضعیف، که هست او به نازکی چوزجاج
کمینه بنده خاک در تو بودی کاج
(نولکشور، ۱۲۸۹، ۶۷ و ۶۸)

تفسیر غزل در شرح نولکشور

ای تو را سزاوار است، که از همه دلبران باج ستانی، زیرا که تو بر سر همه خوبان چون تاج هستی. ای سردار همه، هستی و آن که سردار میباشد خراج میستاند. در این غزل نعت آن حضرت است صلعم، و دلبران کنایه از انبیای دیگر میباشد. (نولکشور، ۱۲۸۹، ص ۶۷ و ۶۸)

۳- ویژگیهای فکری

محتوای نثر عمدتاً عرفانی است. مانند: «صلا=گرچه به معنی دعوت به طعام است لیکن اینجا مراد از آن مطلق طلب است. و "زلف" و "خال" از ساقی یا زلف کنایه از جذبه یا عیب هویت که عبارت از نشئه دنیا و پیچش حوادث آن است. و مراد از خال رخ که سویدا نام دارد.» (نولکشور، ۱۲۸۹، ص ۱۱) املای «خطا=ختا» در این شرح بهمین صورت است که در متن غزل آمده است.

۴- ویژگیهای ادبی

این شرح این از حیث صورخیال بیشترین بهره را از ترکیبات کنایه برده است و تعبیر عرفانی با استفاده از معانی کنایه تفسیر کرده است. برای مثال برای تفسیر این بیت «در نهنخانه عشرت صنمی خوش دارم/ کز سر زلف و رخس نعل در آتش دارم» آورده است «یعنی مرا در نهنخانه عشرت خویش خوش صنمی حاصل است ای معشوق حقیقی که به سبب او بیتاب هستم و لعل در آتش نهادن کنایه از بیقرار شدن است.» (نولکشور، ۱۲۸۹، ص ۲۳۰)

در بیت «به کوی میکده یارب سحر چه مشغله بود/ که جوش شاهد و ساقی و شمع و مشعله بود» اصطلاحات عرفانی با استفاده از کنایات تفسیر شده است:

«میکده» در این جا کنایه از دل است و «سحر» عبارت، ابتدای پیری است، و «مشغله» مراد از ذکر است، و «شاهد» و «ساقی» کنایه نقش امید که مبتدی وقت ذکر پیش نظر دارد و «مشعله» کنایه از انوار الهی است. (شرح دهلی) (نولکشور، ۱۲۸۹، ۸۳)

نتیجه

آنچه بیش از همه در شناخت متن و فهم آن اهمیت دارد ویژگیهای خاص اثر است. خاصه اگر متنی در خارج از مرزهای کشور ما به وسیله نویسندگانی نوشته شده باشد که از جهت افق معرفتی و محیط طبیعی و اجتماعی با نویسندگان داخل کشور تفاوت بسیار دارند. شرح چاپ نولکشور بر دیوان حافظ از جمله متونی است که در هند و بوسیله شارحین فارسی زبان هندی نوشته شده و ویژگیهای

خاصی دارد. ازدیدگاهی کلی ویژگیهای این شرح را میتوان به دودسته الف) ویژگیهای ظاهری ب) ویژگیهای محتوایی تقسیم کرد. از حیث ویژگیهای ظاهری این شرح خطی نستعلیق دارد که در ۴۰۴ صفحه توسط منشی نولکشور به چاپ سنگی رسیده است. و دارای ۵۸۳ غزل و تعدادی ساقی نامه، قطعه، قصیده، یک ترکیب بند، یک ترجیع بند و... است. این شرح تقریباً هشتاد غزل دارد که در شرح غزلهای نوشته شده در ایران - که تقریباً اکثر آنها با استفاده از متن غزلهای حافظ غنی - قزوینی نوشته شده اند - وجود ندارد، البته سی و هشت غزل از این غزل در ملحقات غزلهای حافظ خانلری ثبت شده است. از جهت ویژگیهای محتوایی و روابط بینامتنی این شرح برای تفسیر برخی از ابیات، آیات واحادیث و ضرب المثلهای عربی را آورده است. از جهت تحلیل روابط فرامتنی شرح نولکشور اکثر غزلهایی را که شارحین ایرانی به معشوق یا ممدوحی نسبت میدهند، در نعت پیامبر اکرم محسوب میکند. این غزلها را میتوان به دودسته تقسیم کرد:

الف) غزلهایی که در شروح ایرانی هم موجود است و در مدح معشوق و یا ممدوحی است، اما در شرح نولکشور در نعت نبی اکرم است. ب) غزلهایی که تنها در شرح نولکشور وجود دارد و در رابطه با نبی اکرم تفسیر شده اند. در بیشتر موارد زبانی ساده دارد مگر موارد بسیار اندک که تعبیر عرفانی را بازگو میکند. از حیث ویژگی فکری میتوان گفت در شرح بیشتر غزلها روح عرفان و معنویات حاکم است و معشوق معمولاً آسمانی همان محبوب ازل وابد است. اگر در بعضی غزلها از معشوق یا شاه نامی بمیان آمده شرح نولکشور در بسیاری از موارد آن غزل را منتسب به نبی اکرم دانسته و این برخلاف نظر شارحان ایرانی است که معمولاً اینگونه غزلها را به معشوقی زمینی و یا ممدوحی خاص نسبت میدهند. از حیث ویژگیهای ادبی به کنایات بیش از دیگر ویژگیهای ادبی توجه کرده و برای تفسیر تعبیر عرفانی از آن بهره برده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- حافظ خراباتی، همایون فرخ، رکن الدین، (۱۳۶۹) ج ۱ و ۲، چ دوم، اساطیر
- ۲- حافظ شناسی در شبه قاره (بررسی شرحهای فارسی دیوان حافظ در شبه قاره)، سیده چاند بی- بی، (۱۳۸۶) مرکز تحقیقات ایران و پاکستان
- ۳- حافظ نامه، خرمشاهی، بها الدین، (۱۳۶۷) ج اول، بی جا، علمی و فرهنگی، چ دوم ۶۸۱
- ۴- دانشنامه زبان و ادب فارسی (به سرپرستی) انوشه، حسن، (۱۳۷۵) ج دوم، مؤسسه فرهنگی و انتشار علمی دانشنامه
- ۵- در جستجوی حافظ، ذوالنور، رحیم، (۱۳۶۲)، ج اول، چ اول، تهران، زوار
- ۶- درس حافظ، استعلامی، محمد، (۱۳۹۲)، ج اول، چ پنجم، تهران، سخن
- ۷- دیوان حافظ، ملحقات غزلیات قصاید، مثنویات... به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۲)، ج دوم، تهران، خوارزمی